یادداشت

محمدجواد اخوان

هندسه‌ای برای جهان پسا انقلاب اسلامی

یکی از ویژگی‌های خاص انقلاب اسلامی که آن را از بسیاری از تحولات سیاسی-اجتماعی جهان متمایز می‌نماید، تأثیرات و پیامدهای آن در ورای مرزهای جغرافیایی تحقق آن است. به این مفهوم که هرچند انقلاب اسلامی در داخل جغرافیای خاصی به نام ایران رخ داد و اتفاقاً اولین رهاورد آن یعنی نظام‌سازی سیاسی در همین نقطه به منصه‌ظهور رسید، اما با گذر زمان تبعاتی بسیار چشمگیرتر در خارج از مرزهای خود بروز داد. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، بازتاب انقلاب اسلامی در خارج از کشور تنها در حوزه قلمرو پیرامونی آن یعنی شماری از همسایگان و کشورهای دارای اشتراکات فرهنگی و جغرافیایی ارزیابی می‌شد و کمتر کسی گمان می‌کرد این حرکت بتواند تأثیراتی بیش از این را در ساحت عالم بروز و ظهور دهد. تا یک دهه از عمر نظام اسلامی، معادلات بین‌الملل بر پایه فضای دوره جنگ سرد و جهان دوقطبی پیش می‌رفت و عملاً به جریان سومی اجازه رقابت در این عرصه داده نمی‌شد. پس از فروپاشی بلوک شرق، ساکنان کاخ سفید امیدوار بودند در سایه نظم نوین جهانی عملاً بتوانند هژمونی یکپارچه خود را بر جهان چنین مستولی کنند که تمامی معادلات بین‌الملل با درنظر گرفتن منافع غرب شکل بگیرد. با این حال این مسئله مطابق میل آنها چندان پیش نرفت و عملاً در مسیری دیگر حرکت نمود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک همین نکته در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری فرمودند: «در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی، یک نظم جدیدی در عالم و به خصوص در منطقه ما به‌وجود آمد؛ قدرت‌هایی جان گرفتند، قدرت‌های برتر عالم شدند و بعد از جنگ دوم جهانی - که تا کنون حدود ۷۰ سال از پایان آن می‌گذرد - این نظم جهانی استقرار پیدا کرد و مدیریت عالم به شکل خاصی درآمد. غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه به شکل نظام لیبرالیستی - که هر دو غربی بودند - حاکم بر مدیریت جهان شد و مدیریت جهان در اختیار اینها قرار گرفت. آسیا و آفریقا و امریکای لاتین و مناطق گوناگون دنیا تحت نفوذ و هیمنه و اراده اینها در طول این ۷۰ سال حرکت کردند. انسان به‌روشنی می‌بیند که این نظم در حال تغییر است.»

حال باید دید شاخصه‌هایی که هندسه جدید عالم را از گذشته تمایز می‌کند، چیست؟ با مروری بر تحولات خاصی که تا پیش از این سابقه بروز در عرصه جهانی نداشته است تا حدودی می‌توان برخی شاخصه‌های این هندسه را بازجست. نخست ورود بازیگران جدیدی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در کنار بازیگران سنتی است که در تلاشند جایگاه خود را در نظم جدید پیش‌رو، تثبیت کنند. از دیگر سو، برهم خوردن آرامش ظاهری جبهه نظام سلطه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، رسانه‌ای و استقرار اجتماعی درونی، خود شاخصه‌ای مهم و تأثیرگذار از این هندسه نوین است. افول وجهه دولت ایالات‌متحده به‌عنوان کانون استکبار جهانی نیز مؤید همین معناست. شاخصه دیگر تقویت حس بیداری و هویت‌یابی در مسلمین و ملل مستضعف جهان است که تا پیش از این در زیر سلطه قدرت‌های استکباری بوده‌اند.

از سویی واکنش غیرمنطقی غرب و نظام سلطه نیز به قدرت‌های رقیب تازه ظهور کرده، خود قرینه‌ای دیگر بر وجود نظام جدیدی است که غرب آن را برنمی‌تابد. تلاش‌های روزافزون غرب و ایالات‌متحده امریکا برای انحراف بیداری اسلامی و مشغول‌سازی کشورهای مسلمان خود می‌تواند دلیل همین نکته باشد که غرب از بروز این هندسه جدید واهمه دارد و تمام هم‌وغم خود را برای مهار، توقف یا جهت‌دهی به آن مصروف داشته و دارد.

حال نکته دیگری که در پیرامون این نظم و هندسه جدید محل تأمل است، خاستگاه این نظم نوین است. مؤلفه‌های بنیادین و گفتمانی و نیز شاخصه‌های ظاهری این وضعیت جدید آن را بسیار به خودِ انقلاب اسلامی نزدیک نشان می‌دهد. این ادعا گزافه نیست اگر بگوییم سنگ بنای این حرکت جدید در پیروزی انقلاب اسلامی ایران گذاشته شد و مبنای تحولی انقلاب در افقی بسیار وسیع‌تر این هندسه را جهت داد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین باره می‌فرمایند: «انقلاب [اسلامی] یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده. نمی‌گوییم انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کلّ بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامی «ایران» بود، متوجّه مسائل ایران بود، متوجّه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود امّا زبان این انقلاب و پیام این انقلاب پیامی بود و زبانی بود که نمی‌تواند و نمی‌توانست - به طبع حال - در مرزهای ایران منحصر بماند؛ یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به‌وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس می‌کند که به این پیام دل‌بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم، مقابله با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود.»

دقت نظر در ریشه‌های این نظم نوین و تلاقی انکارناپذیر آن با انقلاب اسلامی، وظیفه دلسوزان انقلاب و معتقدان به گفتمان آن را به‌مراتب بیشتر می‌سازد. اگر تاکنون تصور می‌کرده‌ایم نهایت آرمان ما کشوری اسلامی است در نقطه حداکثری پیشرفت مادی و معنوی، امروز باید بدانیم مأموریت نهایی ما شکل‌گیری تمدن بین‌المللی اسلامی است که از مسیر هندسه جهانی پسا انقلاب اسلامی رقم می‌خورد.

خبر آخر

داعش بهانه امریکا برای دخالت در امور کشورهاست

بیانات مقام معظم رهبری به روشنی زوایای پشت‌پرده حضور کسانی را که گروهک تروریستی داعش را به وجود آوردند، روشن کرد و نشان داد تشکیل ائتلاف مبارزه با داعش راه به جایی نمی‌برد.

آیت‌الله احمدخاتمی عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با میزان با اشاره به اینکه قطعاً هدف کسانی که ائتلاف مبارزه با داعش را تشکیل داده‌اند، مبارزه با تروریسم نیست، افزود: تناقض کشورهای تشکیل‌دهنده ائتلاف مبارزه با داعش در گفتمان و اهداف به گونه‌ای مشهود است که شاهدیم در زمان تشکیل این ائتلاف بنیانگذاران آن در اقدامی مداخله‌جویانه خواهان تقویت تجهیزات نیروهای تروریستی سوری هستند؛ اقدامی که ماهیت واقعی آنها را بازگو می‌کند.

امام جمعه موقت تهران خاطرنشان کرد: زوایای اصلی پشت‌صحنه ائتلاف مبارزه با داعش توجه به این نکته است که مقابله مستقیم کشورهای عراق و سوریه در برابر مداخله کشورهای غربی به خصوص امریکا در روند تصمیم‌گیری در کشورشان سبب شده است که این کشورهای مستکبر راه دیگری برای حضور در منطقه خاورمیانه برای حضور خود ترسیم کنند. آیت‌الله خاتمی تأکید کرد: هدف اصلی امریکا و هم‌پیمانانش در ائتلاف مبارزه با داعش تنها مداخله در امور کشورهای موجود در منطقه خاورمیانه است و آنها هدف دیگری را در این ائتلاف به منظور ایجاد صلح در نظر ندارند چراکه نیروهای داعش عروسک‌های دست‌ساز خود این کشورها هستند.

نگاه

روحانی: بیماری تروریسم پشت مرز همه کشورها خیمه زده است

رئیس جمهور در دیدار وزیر اقتصاد و صنایع جمهوری آذربایجان با اشاره به اینکه نهال روابط دوستانه و صمیمانه ایران و آذربایجان باید تنومندتر شود، گفت: نباید به کشورهای ثالث اجازه دهیم که در روابط صمیمی تهران - باکو اخلال ایجاد کنند.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی صبح دیروز در دیدار «شاهین مصطفی‌یف» وزیر اقتصاد و صنایع جمهوری آذربایجان با اشاره به روابط تاریخی مردم ایران و جمهوری آذربایجان اظهار داشت: روابط ما روابطی تاریخی و ریشه‌دار است و دو کشور می‌توانند در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، روابط تنگاتنگی با یکدیگر داشته باشند. رئیس جمهور تروریسم را تهدیدی بسیار خطرناک برای همه کشورهای منطقه دانست و گفت: تروریسم همان بیماری خطرناک و مسری است که پشت مرزهای کشورها خیمه زده است و اگر همه در منطقه متحد نباشند و در برابر این خطر ایستادگی نکنند، هر لحظه ممکن است این میکروب وارد کشورها شود. روحانی با بیان اینکه «منطقه خاورمیانه با مشکلات فراوان امنیتی مواجه شده است»، افزود: در منطقه قفقاز سال‌هاست که ثبات به معنای واقعی کلمه وجود ندارد و در منطقه خاورمیانه نیز شاهد مشکلات بسیاری در عراق، سوریه و لبنان هستیم. رئیس جمهوری ادامه تجاوزات رژیم صهیونیستی به حقوق مردم فلسطین را بسیار نگران کننده توصیف کرد و افزود: شرایطی که طی ماه‌های اخیر در غزه پیش آمد، نشان داد رژیم صهیونیستی به هیچ یک از مقررات بین‌المللی و اصول انسانی پایبند نیست. روحانی خاطرنشان کرد: ما مسلمانان باید نسبت به حقوق برادران مسلمان‌مان در منطقه حساس باشیم و به برادران مسلمان که مظلوم واقع شده‌اند کمک کنیم. البته جمهوری اسلامی ایران بیشترین کمک‌های ممکن را هم در این مقطع و هم در مقاطع قبل به مردم فلسطین و غزه انجام داده است. وی تأکید کرد: امیدواریم سایر کشورهای مسلمان نیز به این وظیفه اسلامی و انسانی خود برای کمک به مردم غزه عمل کنند. «شاهین مصطفی یف» وزیر اقتصاد و صنایع جمهوری آذربایجان نیز در این دیدار، با ابلاغ سلام‌های صمیمانه آقای «الهام علی اف» رئیس جمهوری آذربایجان به رئیس جمهوری کشورمان، به مشترکات تاریخی و فرهنگی بین مردم دو کشور اشاره کرد و گفت: روابط دو کشور به خصوص در ماه‌های اخیر، روز به روز در حال پیشرفت است.

گزارش تحلیلی «جوان» از تلاش شیفتگان امریکا برای تحمیل مطالبات جناحی به دولتمردان

تغییر چهره جمهوری اسلامی خیال تجدیدنظرطلبان از مصافحه روحانی با اوباما

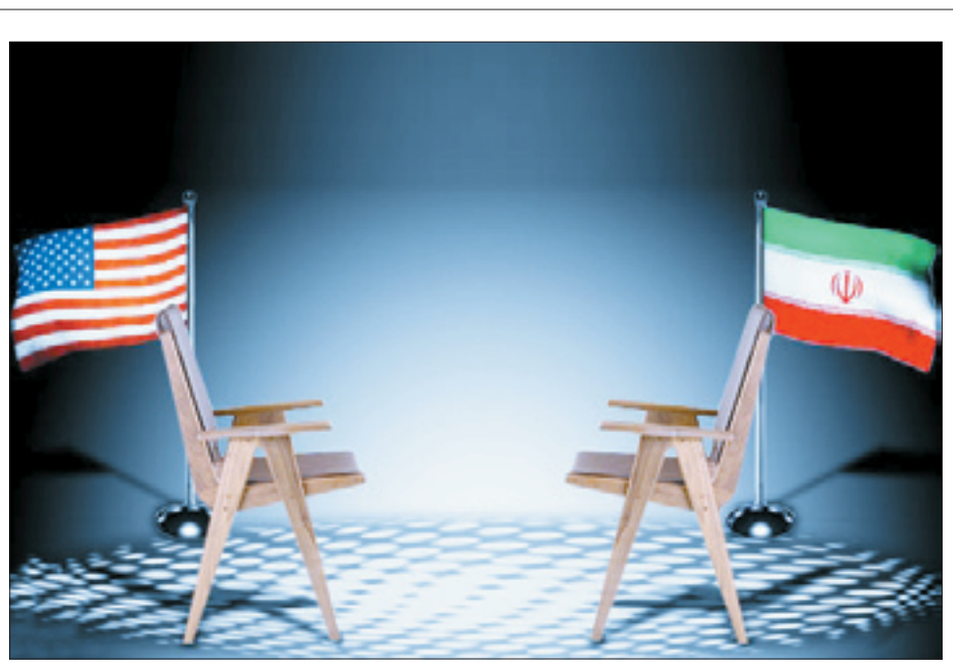

گزارش تحلیلی

محمد اسماعیلی

سفر هرساله مقامات سیاسی کشورمان به اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک که از سپتامبر تا دسامبر یا ژانویه تشکیل می‌شود یکی از مهم‌ترین و حاشیه‌ساز‌ترین اتفاقات در آوردگاه دیپلماسی کشورمان است.

همین اهمیت و اعتبار اجلاس سالانه باعث شده است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بارها روسای جمهور کشورمان شخصاً برای پیشبرد منافع جمهوری اسلامی ایران از این فرصت بین‌المللی استفاده کنند و سفر امروز رئیس جمهور کشورمان برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل هم طبق همین رسم معروف و عرف دیپلماتیک صورت می‌گیرد.

اما سفرهای دوسال اخیر مسئولان کشورمان به این نشست با سال‌های گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد. یکی از تفاوت‌ها را می‌شود اینطور بیان کرد که جریانی سیاسی با تحمیل خواسته‌های حزبی خود به دولتمردان در آستانه سفر به نیویورک تلاش می‌کند تا اهداف اولیه و اصلی سفر را دستخوش حواشی بسیاری قرار داده و مطالبات بالادستی پدرخوانده‌های خود را پیاده‌سازی نماید.

به عنوان نمونه آنچه سفر سال گذشته دکتر روحانی به نیویورک را با سفرهای روسای جمهوری ادوار گذشته متفاوت نموده بود، بحث «مذاکره دولتمردان کشورمان با مقامات سیاسی امریکا» بود آن هم در شرایطی که رهبری تاکتیک «ترمش قهرمانانه» را بیان فرموده و جریانی خاص در داخل سعی داشته هماهنگ با غرب این کلیدواژه را تحریف و مذاکرات حضوری را لازمه پیشرفت مذاکرات هسته‌ای عنوان نمایند.

این جریان خاص که از ابتدای شکل‌گیری دولت یازدهم در پی تحمیل خواسته‌ها و نیازهای تشکلی و صنفی خود به رئیس دولت، آن هم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برآمده بود در آن ایام-شهریورماه سال ۹۲ - در آستانه سفر دکتر روحانی تمام تمرکز رسانه‌ای و جریانی خود را بر آن گذاشت تا اولاً از سفر روحانی به نیویورک دستاوردهای غیرواقعی برای جامعه جلوه‌سازی کند و ثانیاً این اصل غیرحقیقی را برای افکارعمومی داخلی نهادینه کند که مذاکره با امریکا حلال تمام مشکلات داخلی و خارجی کشورمان است و باید هر چه زودتر در دستور کار رسمی دولتمردان قرار بگیرد.

طی روزهای اخیری هم که به سفر تیم دیپلماتیک ایرانی نزدیک می‌شویم همین طیف تلاش می‌کند تا در قالب‌های مختلف مطالبه حزبی خود مبنی بر دیدار چهره به چهره روسای جمهور ایران و ایالات متحده امریکا را یک خواسته عمومی و کلان نشان داده و از سوی دیگر مطرح نماید که تیم دیپلماسی کشورمان در مذاکرات هسته‌ای باید با استقلال کاری بیشتری ظاهر شده و ما را تن هسته‌ای را خاتمه بخشد. این در حالی است که مذاکرات پیرامون مسئله هسته‌ای کشورمان به بن بستی سیاسی رسیده و دچار مرگی تدریجی شده است.

«کلید توافق نهایی در نیویورک؟»، «کارت‌های بازی ما در نیویورک»، «نیویورک ایستگاه آخر نیست»، «فرمول شش وجهی نیویورک»، «نیویورک در آستانه نشست بزرگ» و «فرصت تریبون نیویورک» بخشی از ده‌ها مطلب هدفمند و جهت‌داری است که روزنامه‌های زنجیره‌ای با همین محور چاپ کرده‌اند که در یکی از آنها می‌خوانیم: «کشورها براساس اولویت منافع ملی، به بحث و گفت‌وگوی دوجانبه می‌پردازند... ما سال گذشته برخلاف هشت سال پیش از آن، از این فرصت استفاده کردیم.»

■ شگرد دوم خردادی‌ها: تغییر مطالبات جامعه

قبل از پرداختن به چرایی رویکرد کنونی طیف تجدیدنظرطلب در قبال سفرهای دولتمردان به اجلاس سازمان ملل باید گفت شگرد کنونی این جریان موضوع تازه‌ای نیست، آنگونه که در بررسی ساده می‌توان دریافت که این جماعت بارها مطالبات مورد نظر خود را آرام آرام به خواسته‌های جامعه پیوند داده و از این پیوستگی و اتصال اهداف راهبردی پدرخوانده‌های خود را دنبال کنند.

تظاهر به وصلت و خویشاوندی خواسته‌های این طیف با آنچه خواسته‌های عمومی مردم نامگذاری می‌شود در طول سال‌های گذشته کم اتفاق نیفتاده و کم نبوده که ملاحظه کنیم این دسته برای رسیدن به مقاصد سیاسی-اجتماعی خود، حقوق اولیه مردم را نادیده بگیرند و تنها در شعار به تفکر «مردم‌خواهی» پایبند بمانند. پیوند دادن مطالبات گروهی با خواسته‌های عمومی نه تنها «بازگشت به حاکمیت»، «کسب قدرت فراگیر» و «دستیابی به مشروعیت سیاسی-اجتماعی» را برای هواخواهان لیبرالسیم در داخل به همراه دارد، بلکه می‌تواند قدرت چانه‌زنی آنها را در مقابل نظام رسمی حاکمیت و نهادهای منسوب به آن هم افزایش داده و راه را برای پیشبرد اهدافی که دقیقاً متعارض با اهداف حاکمیت است، باز کند.

تمرکز هدفمند رفرمیسم داخلی، روی گزاره‌هایی نظیر «توسعه سیاسی»، «آزادی بیان و اندیشه» و «تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل» در مقطع زمانی ۷۶ تا ۸۴، نه تنها هیچ یک از دغدغه‌های اصلی جامعه را مرتفع نکرد بلکه منجر به آن شد که کشور در عرصه داخلی و بین‌الملل دچار بحران‌های عدیده‌ای شود و رشد مشکلات داخلی هم شکل فزاینده‌ای به خود بگیرد.

■ اهداف تجدیدنظرطلبان

اهداف مشخص تجدیدنظرطلبان از فشار به دولتمردان برای خواسته‌های جناحی خود در آستانه نشست سالانه سازمان ملل را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱- به باور نظریه‌پردازان اصلاحات، دیدار دو رئیس جمهور و تبدیل کردن به یک رویه رفتاری در طول سال‌های بعد می‌تواند نهایتا به «تطهیر چهره امریکایی‌ها» و «ترمیم شخصیت کارگزاران نظام سلطه» شود، بر همین اساس باید به مصافحه روحانی و اوباما و ادامه دیدارهای دوجانبه هیئت‌های ایرانی و امریکایی تأکید پردامنه داشته باشند.

۲- «مخدوش کردن الگوی مقاومت در مقابل غرب» یکی از اهدافی است که جریان دوم خردادی سال‌هاست به دنبال آن بوده، آنگونه که این جماعت ماه‌ها قبل از برگزاری انتخابات یازدهم ریاست جمهوری این را به افکار عمومی منتقل می‌کرد که تنها عامل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم دیپلماسی تهاجمی و فعالانه ایران در بحث هسته‌ای است که در صورت تغییر در این رویه رفتاری، گشایش فراوانی در زندگی آنها اتفاق خواهد افتاد.

این جریان در شرایط فعلی هم با بهره‌گیری از اتفاقات بحث برانگیزی نظیر «دیدار چهره به چهره دو رئیس جمهور ایران و امریکا» و همچنین «استمرار مذاکرات دو طرفه با نمایندگان نظام سلطه» تلاش دارد به جامعه این را تلقین نماید که تحقق این موارد می‌تواند پوششی مناسب برای کاهش تحریم‌ها و ترمیم چهره بین‌المللی ایرانیان به شمار آید و این یعنی شکستن هیبت نماد مقاومت در مقابل امریکا.

۳- تغییر اصول و مبانی سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران هم یکی دیگر از اهداف است، به‌صورتی که مهم‌ترین مولفه این سیاست خارجه که همان مبارزه با استکبار و مقاومت بر سر اصول است جای خود را به سازش، تسلیم و روابط عادی دو طرفه داده و دیگر در سیاست خارجه کشورمان نتوانیم جایی از مبارزه و مواجهه با قدرت‌های استعمار گر ببابیم.

۴- «فشار به حاکمیت اسلامی از دالان افکار عمومی» هم در این طرح مورد توجه قرار گرفته است. با این توضیح که، رهبران تئوریک این جریان به خوبی می‌دانند که «تغییر نگرش مردم تغییر گفتمان و قواعد رفتاری در کارگزاران نظام را در پی دارد» بنابراین باید تلاش شود تا مردم جامعه در حوزه‌های مختلف از جمله نوع مواجهه با نظام سلطه دچار تغییر نگاه شده و به این باور برسند که ادامه مقابله با امریکایی‌ها دستاوردی به جز تحریم‌های بین‌المللی به همراه نداشته است. زمانی هم که این باور عمومی نهادینه شد خود به خود حاکمیت تحت فشار خواسته‌های مردمی قرار گرفته و از نبرد با نظام سلطه دست بردارند.

به عبارت دیگر، در این سناریو بخش قابل توجهی از هنجارهای قابل احترام و برآمده از تفکر انقلابی-اعتقادی مردم آرام آرام به ضد هنجار تبدیل شده و مردم ناخودآگاه طی یک فرآیند زمانی به تمام آنچه در طول سال‌های گذشته برایش جنگیده و هزینه داده پشت می‌کنند و کارگزاران وفادار به نظام را در این وادی تنها می‌گذارند.

مدیریت اصلی این صحنه را دگراندیشان داخلی برعهده دارند که به شکلی هم جهت با مراکز تحقیقاتی و راهبردی در غرب این هدف را پی‌ریزی می‌کنند که البته با روی کار آمدن دولت یازدهم این عملیات پیچیده را به شکل عامه پسند و ضدحساسیت به جلو می‌برند.

به اعتقاد طراحان این سناریو تغییر گفتمان و قواعد رفتاری از حلقه‌های تجدیدنظرطلبان باید آغاز شود و به شکلی تحمیلی به تیم تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان دولت تحمیل شود. پس از آنکه این تغییر گفتمان در سطوح ذکر شده عملیاتی شد حاکمیت سیاسی را مورد هجوم و حمله جهت تغییر رویه و رویکرد قرار دهند و این یعنی تغییر رفتار در یک بازه زمانی مشخص که یکی از گام‌های اساسی مخدوش کردن الگوی مقاومت در منطقه و همچنین نزدیک شدن به پروژه براندازی است.

نمای نزدیک

نوبخت: دیدار روحانی - اوباما نداریم

سخنگوی دولت با اعلام سفر قطعی رئیس جمهور به امریکا برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل متحد گفت: دکتر روحانی برنامه‌ای برای دیدار با اوباما ندارد. به گزارش تسنیم، دکتر نوبخت روز گذشته در پاسخ به سؤالی درباره سفر رئیس جمهور به نیویورک تصریح کرد: رئیس جمهور عازم نیویورک می‌شود اما اینکه با اوباما ملاقاتی داشته باشد، هیچ برنامه‌ای از سوی رئیس جمهور در این خصوص تنظیم نشده است. البته تفصیل جزئیات سفر رئیس جمهور به نیویورک را در یک نشست خبری بیان می‌کنم.

فوری

■ ۳ فعال فتنه وکیل مدافع قاچاقچیان مواد مخدر

سه نفر از فعالان فتنه ۸۸ که سابقه محکومیت قضایی هم در کارنامه خود دارند، اخیراً پروژه مبارزه با اعدام در ایران را کلید زده‌اند. این سه عنصر فتنه‌گر فعالیت‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی آغاز کرده و بنا دارند با پرداختن گسترده به این مسئله، موضوع اعدام در کشور به یک پروژه ملی و سپس بین‌المللی تبدیل کنند. این پروژه که به نظر می‌رسد با هدف تصویر چهره‌ای خشن از جمهوری اسلامی کلید خورده در راستای بهانه تراشی برای نهادهای به اصطلاح حقوق بشری صورت می‌گیرد. این در حالی است که بر اساس آمارهای رسمی بیشترین اعدام‌ها در کشور مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر است.

■ حالا وقت تکیه کردن به دیوار روحانی است

یکی از محکومان فتنه ۸۸ که چندی پیش از زندان آزاد شد، اخیراً در جمع همفکران خود روحانی و دولتش را به دیواری تشبیه کرده است که اصلاح‌طلبان فعلاً نباید به آن لگد بزنند.

یک منبع مطلع با بیان این خبر به «جوان» گفت: آقای «ن» تأکید کرده است اکنون باید به دیوار دولت روحانی تکیه کنیم. وی جماعت فتنه‌گران را به فرد دست و پا شکسته‌ای تشبیه کرده و گفته است: ما مثل آدمی می‌مانیم که دست و پایمان شکسته و توی گچ قرار دارد و گچ آن را دارند باز می‌کنند، بنابراین نباید بی‌احتیاطی کنیم، چراکه بی‌احتیاطی (بخوانید فتنه‌انگیزی) ممکن است باعث شکسته شدن مجدد آن شود. این فعال فتنه تأکید کرده است باید برای مدتی به همین دیوار (دولت روحانی) تکیه نماییم. نباید زمان انتخابات به این دیوار لگد بزنیم بلکه باید تا آن زمان تکیه ما به همین دیوار باشد. وی البته ضمن اذعان به این نکته که دولت روحانی از جنس آنها نیست تصریح کرده است: باید برای جدا شدن از این دیوار تمرین کنیم و بعد از انتخابات اگر این دیوار مانع بود، برای رفع آن فکری کنیم! وی در پایان نتیجه‌گیری کرده است که تندروی و افراط‌گرایی فعلاً باید متوقف شود!

گزیده خبر

امریکا باید از توهم جامعه جهانی بودن خارج شود

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بی‌اساس خواندن سخنان وندی شرمن، مذاکره‌کننده امریکایی، پیش از شروع دور هفتم مذاکرات هسته‌ای گفت: جامعه جهانی امریکا نیست که بخواهد برای آن تصمیم بگیرد.

علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با میزان، با تأکید بر اینکه جامعه جهانی مشروعیت اقدامات ایران را تأیید می‌کند، اظهار کرد: جامعه جهانی از جمله جنبش عدم تعهد که حدود ۱۵۰ کشور را در برمی‌گیرد، از مواضع کشورمان در خصوص پرونده هسته‌ای حمایت می‌کند. این نماینده مجلس افزود: امریکا باید از توهم جامعه جهانی بودن خارج شود و تا زمانی که این کار انجام نشود، اینگونه اظهارات بی‌اساس تکرار خواهد شد. بروجردی ادامه داد: مشکل به نتیجه نرسیدن مذاکرات نیز به طور مشخص امریکا و کارشکنی‌های این کشور است. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تصریح کرد: امریکا با اعمال فشار به دیگر کشورها که در موضوع پرونده هسته‌ای ایران درگیر هستند، مانع از حصول توافق میان ایران و ۵+۱ می‌شود.

راه غزه به نابودی صهیونیست‌ها ختم می‌شود

رئیس دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه ملت فلسطین با اشاره به پیروزی غزه در جنگ اخیر گفت: این راهی که شروع شده است شک نداریم که به نابودی صهیونیست‌ها ختم می‌شود.

به گزارش ایرنا، حسین شیخ‌الاسلام در همایش «غزه، ۵۱ روز مقاومت و پیروزی» که دیروز چهارشنبه در ایوان شمس شهرداری تهران برگزار شد، افزود: اتفاقی که در غزه اتفاق افتاد، جنگی نابرابر بود که یک طرف آن صهیونیست‌های دارای پول، سرمایه، امکانات و ادوات جنگی قرار داشتند و طرف دیگر مردم بی‌دفاع غزه و فلسطین بودند. وی ادامه داد: صهیونیست‌ها مطمئن بودند که در این جنگ موفق می‌شوند چراکه از نظر امکانات همه چیز داشتند اما آنها خدا را نداشتند و شکست خوردند. شیخ‌الاسلام یادآور شد: دشمنان این را نمی‌فهمند که در این دنیا سرنوشت و نتیجه بر اساس معادلات مادی تعیین نمی‌شود، بلکه بر اثر خلوص، نیت پاک و اراده تعیین می‌شود که همه اینها در غزه متجلی شده است. وی یادآور شد: فلسطین برای هیچ صهیونیستی امن نیست چراکه فلسطین برای فلسطینی‌هاست. غزه مال فلسطینی‌ها است. رئیس دبیرخانه دائمی کنفراس بین‌المللی حمایت از انتفاضه ملت فلسطین گفت: دفاع از غزه و فلسطین آزمایشی الهی است که خداوند در زمان ما برای مسلمین قرار داده است که آیا مسلمانان می‌توانند در این ظلم فاحشی که اتفاق افتاده و می‌افتد وظیفه خود را درست انجام دهند.

خبر

مدیر مسئول روزنامه جوان:

انقلابی‌ها به جای خبر و کد دنبال اندیشه‌های جریان‌ساز باشند

مدیر مسئول روزنامه جوان معتقد است که مهم‌ترین آفت نیروهای مومن و انقلابی انگیزه بالا برای دریافت اخبار و کد از جریان‌های کشور است، این در حالی است که این نیروها به اندیشه‌های جریان‌ساز بی‌توجه هستند.

دکتر عبدالله گنجی که در دومین نشست فصلی مسئولان بسیج کارمندان سراسر کشور سخن می‌گفت، این آفت را یکی از نکات جدی برای جریان انقلابی دانست و افزود: متأسفانه این جریان مبنای قضاوت خود را شنیده‌ها و گفته‌ها قرار می‌دهد، در حالی که رد و تأیید یک جریان باید با توجه به اندیشه جریانی آنها باشد.

مدیر مسئول روزنامه جوان با تأکید بر نگاه خاص به مسائل جاری کشور، ادامه داد: جریان انقلابی نباید به شناخت پوسته‌ها اکتفا کند و برای شناخت دقیق باید قالب‌ها و قاعده‌ها را چکش‌کاری کند.

وی به لزوم مفهوم‌سازی اشاره و خاطرنشان کرد: اندیشه‌ها زمانی ماندگار خواهند شد که مفهوم‌سازی در آنها وجود داشته باشد. برای نمونه یکی از هنرهای امام(ره) همین مفهوم‌سازی است و در روزگاری که قدرت‌های استعماری با عنوان امپریالیسم و کمونیسم شناخته می‌شدند، امام(ره) از واژه استکبار برای آنان استفاده کرد و این مفهوم‌سازی تا به امروز هم کارکرد اصلی خود را حفظ کرده است.

گنجی با تأکید بر پرهیز از سطحی‌نگری در جریان‌شناسی سیاسی عنوان کرد: نیروهای اصیل انقلاب جریانات مختلف را ساختارمحور بررسی نکنند، بلکه مبنای بررسی خود را اندیشه محوری قرار دهند.

مدیر مسئول روزنامه جوان سپس نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه، امام (ره)، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام را اصول اصلی انقلاب دانست و این اصول را شاقول تصمیم‌گیری در خصوص گروه‌ها و جریان‌ها عنوان کرد.

وی به ذکر نمونه‌ای از شناخت سطحی و اندیشه‌ای پرداخت و گفت: در نگاه ما رئیس جمهور ولایی کسی است که به دنبال سیاست‌های کلی نظام بدود، اما برخی فکر می‌کنند که رئیس جمهور ولایتمدار کسی است که دست آقا را ببوسد.

گنجی ادامه داد: ما مشاهده کردیم که از سال ۷۷ تا ۸۴، چهار مدل حکومتی را در داخل کشور تئوریزه کردند اما نیروهای انقلابی هیچ اعتراضی به این موضوع نکردند و فقط به دنبال این بودیم که کجا علیه نظام و رهبری حرف می‌زنند تا با آنها درگیر شویم.

مدیر مسئول روزنامه جوان این عدم درک را مصیبت بزرگ برای جریان انقلابی دانست و افزود: در آن دوران آقای حجاریان کتاب مشروطه‌خواهی را تدوین کرد، سپس اکبر گنجی کتاب جمهوری‌خواهی را نوشت، عباس عبدی از حاکمیت دوگانه حرف زد و مصطفی معین نیز دموکراسی‌خواهی را عنوان کرد.

وی به تقسیم‌بندی جریان اصلاح‌طلب پرداخت و عنوان کرد: جریان اصلاحات را نباید یکپارچه دید، چراکه این جریان یک طیف اصلاح‌طلب و یک طیف تجدیدنظرطلب دارد که جریان تجدید نظر طلب نیز دو نحله فکری دارد که شامل جمهوری‌خواه و مشروطه‌خواه هستند.

گنجی تصریح کرد: در نحله فکری مشروطه‌خواه، این جریان وجود ولایت فقیه را می‌پذیرد اما جایگاه آن را یک جایگاه تشریفاتی تعریف می‌کند. یعنی قرائت آنان از ولایت فقیه یک قرائت سلطنتی است نه حکومتی... در سوی دیگر جریان جمهوری‌خواه به صورت عیان نظام دینی را قبول ندارد و دین را از سیاست جدا می‌داند. همچنین این جریان پذیرش روحانیت در جامعه را تنها از طریق صندوق می‌پذیرد.

وی سپس ادامه داد: جریان جمهوری‌خواه، معتقد به تشکیل هسته‌های ذی نفوذ در کشور برای واگذاری مسئولیت‌ها به مردم است و عملاً به دنبال سکولاریزم هستند. این طیف جمهوری‌خواه قرابت بسیار زیادی با اپوزیسیون خارجی دارند و قابل تشخیص نیستند. گنجی در بخش پایانی سخنان خود در تشریح دیگر ابعاد جریان جمهوری‌خواه عنوان کرد: جمهوری‌خواهان معتقدند اسلام احکام اجتماعی ندارد و دین یک موضوع فردی و خصوصی است، اخلاق را موضوعی فرادینی می‌دانند و معنویات آنها از معنویات سکولاریسم گرفته شده است.